جایگاه قصه های عامیانه در ادبیات شفاهی هرمزگان

مریم بهمنی چاهستانی *

چکیده

قصه های عامیانه نشانگر فرهنگ شفاهی عامه ی آن منطقه است ؛چرا که می تواند بخش وسیعی از فرهنگ و ادبیات شفاهی هر منطقه راتحت پوشش قرار دهد .این قصه ها از دوران گذشته تا به امروز از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و هم چنان جذاب و اثرگذار باقی مانده است و ثابت نموده است که اگر به موقع برای مکتوب ساختن آن تلاش نشود، به تدریج از خاطره ها محوخواهدشد.

قصه های عامیانه در میان عامه ی مردم از اهمیت ویژه ای برخوردار است ؛چون قصه های عامیانه در ادبیات شفاهی سبب می شود تا آرمان های هر ملتی را تحقق دهد و به حیات و همبستگی آن ملت مشروعیت بخشد. فرهنگ ومیراث های ماندگارهرمزگان در ادبیات شفاهی استان **نه** بخصوص در قصه ها ی عامیانه هرمزگان ردپای پررنگی را از خود به یادگار گذاشته است وحضور این عوامل گوناگون باعث شد تا زمینه ی بررسی جایگاه قصه **أ**های عامیانه را در ادبیات شفاهی هرمزگان را مقاله فراهم نماید.

واژه های کلیدی : آداب و رسوم، ادبیات شفاهی ، افسانه ، قصه .

.

مقدمه

* مدرس زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا، بندرعباس .
Maryam.bahmanich@yahoo.com

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-21]

واقع شدن استان هرمزگان در کرانه های خلیج فارس و تنگهٔ هرمز موجب شد که این محدوده از نظر تاریخی و فرهنگی حائز اهمیت شود« همان گونه که رود نیل نقش اصلی و کلیدی را در تاریخ مصر بازی می کند ، به همان نسبت خلیج فارس را می توان گلوگاه مهم و حیاتی تاریخ و تمدن و اقتصاد ایران دانست.» (وثوقی ، 1384 : 7).و می توان گفت:

«باگسترش روابط دولت ها و سفرهای دریایی در هرمزگان ،این منطقه مورد توجه کشورهای دیگری قرار گرفته است ، که بایدبه حضور پرتغالی ها ، انگلیسی ها ، هلندی ها ، فرانسوی ها و کشورهای دیگر در این حوزه اشاره کرد ، همچنین وجود قلعه های مختلفی در شهرها وجزایر استان و یا قبرستان های اتباع این کشورها در بخش ها و مناطق مختلف هرمزگان گواه این موضوع است .»(امیرزاده،18:1388)

امروزه با آثار برجای مانده در هر استان می توان سفری به تاریخ ، فرهنگ و ادبیات شفاهی آن جا کرد،چون ادبیات شفاهی هر منطقه « به مجموعهٔ ترانه ها ، قصه ها ، اسطوره ها و ضرب المثل های رایج در میان یک قوم اطلاق می شود که به طور شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شودو موضوعات آن برگرفته از فرهنگ مردمی است .» (داد ، 1382 :22)

مستند کردن ادبیات شفاهی سبب می شود، برای استفاده عموم انتشار یابد و سطح بینش وآگاهی مردم را درباره ی جامعه افزایش دهد . قصه های عامیانه بخش وسیعی از فرهنگ و ادبیات شفاهی هر منطقه است . که ازدوران کهن تابه امروزهم چنان جذاب و اثرگذار باقی مانده است وگواه هویت بومی ومحلی آن منطقه است .تنوع این قصه ها به گونه ای است ،که هرگز رنگ ملال نمی پذیرد و همین ویژگی سبب طراوت و تازگی آن می شود . گوناگونی فرهنگ ومیراث های ماندگارمانند:آداب ورسوم ،افسانه هاوآیین های بومی محلی و حضور

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-21]

آن ها درعرصه های متنوع ادبیات شفاهی زمینۀپژوهشی جامعی را فراهم کند که در قصه های هرمزگان به وضوح دیده می شود . «روایت وفرهنگ مردم هرمزگان حکایت از رشد ،تکامل وتنوع بسیاردارد.آیین ها، افسانه هاواعتقاداتی که از قله کوه ها تا حضور دریا وصیادان را دربرگرفته است،بر این چهارراه فرهنگی از همۀ اقوام ،ملت وادیان آمده ورفته چیزهای بسیار می توان یافت.»(امیرزاده،1388:18)

ادبیات شفاهی

ادبیات شفاهی هر منطقه نشانگر فرهنگ عامۀ آن منطقه است ، زیرا به طورشفاهی سینه به سینه منتقل می شودوهر نسل به سهم خود چیزی بر آن می افزایدوغنای بیشتری به آن می بخشد واگر به موقع برای ثبت و ضبط و مکتوب ساختن آن تلاش نشود به تدریج از خاطره ها و حافظه ها فراموش خواهد شد.

سردبیر مجلۀ« فرهنگ مردم » در ضرورت گردآوری ادبیات شفاهی می نویسد :« ادب عامه آن چه را که تاریخ رسمی به عمد یا از سر خطا ضبط نکرده است ، در میان قصه های شیرین ، ترانه ها و لالایی های دلنشین و متل ها و ضرب المثل های نغز محفوظ داشته است . ادب عامه زبان مردم است ،که دارای جایگاه ویژه ای می باشد. » (وکیلیان ، 1382 : 1) ادبیات شفاهی علاوه بر این که در اوقات فراغت یک سرگرمی مناسب است ؛می تواند در انتقال پیام و تجربه های گذشتگان به نسل آینده ودر پرورش ورشد استعدادهای افراد جامعه موثر واقع شود،که این خود قابل توجه است.

دانسته می شودکه « یکی از مهم ترین کارکردهای ادبیات شفاهی ، انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر است . در دورانی که به سبب نبود کتاب و سند نوشتاری ، برای زنده نگه داشتن و پاسداری از

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-21]

فرهنگ به ابزارهایی نیاز بود تا در ذهن و حافظه بماند ؛ قصه ، متل ، شعر و ترانه از این ویژگی برخوردار بودند.» (محمدی وقایینی ، 1384 : 12)

در مورد پیشینهٔ قصه های عامیانه می توان گفت که : « در ایران دانشمندان و دوستداران فرهنگ در چند دههٔگذشته ، توجه و علاقهٔ خویش را به فرهنگ مردم ابراز داشتند . از این میان باید از « صادق هدایت » نویسنده ی نوپرداز و «رشید یاسمی» استاد ممتاز دانشکده ی ادبیات وعلوم انسانی درزمان خود ارائه دهندگان طرح های گردآوری فرهنگ مردم «صبحی مهتدی » قصه گوی رادیو در دهه ی سی و چهل و «سید ابوالقاسم انجوی » مؤسس مرکز فرهنگ و برخی از پژوهشگران مرکز مردم شناسی ایران و ده ها مشتاق دیگر که در امر گردآوردن و نشر قصه های مردم ایران سهم بسزایی داشتند، به نیکی یادکرد.» (وکیلیان ، 1382 : 4)

حال برای روشن شدن جایگاه قصه های عامیانه در ادبیات شفاهی هرمزگان بایدبه برخی فرهنگ ومیراث های ماندگار استان مانندآداب ورسوم ،افسانه هاوآیین های بومی محلی اشاره کرد.

آداب و رسوم

هرمزگان ، از دیرباز محل رفت و آمد و ارتباط اقوام مختلف و دریانوردانی بوده است،که آداب و سنن و زبان واندیشه های گوناگون داشته اند .«دریانوردان قدیمی هرمزگانی که به دریاهای دوریعنی هند ، آفریقا ، اندونزی و .... سفرهای طولانی کردند، آداب و سنن و لهجه های این سرزمین ها را با خود به ارمغان آوردند و کم کم فرهنگی هایی را در هرمزگان رواج دادندکه فرهنگ ، زبان ، لباس ، موسیقی ، تصنیف ،قصه ، افسانه ها و...مردم ه.رمزگان را دستخوش تحولات و تغییرات ساختند. آداب و رسوم مردم این استان به

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-21]

لحاظ مجاورت با دریا شباهت کمتری با آداب و رسوم دیگر استان های ایران دارد.» (بختیاری ،1369 : 56) مهاجرت اقوام مختلف از داخل وخارج استان هر مزگان خود دلیل تنوع فرهنگی وآداب رسوم های گوناگونی در این استان است .برخی از این آداب ورسوم ها که از کشورهای دیگربه این جا آورده شده است رنگ وبوی بومی به خود گرفته وشامل بخشی از فرهنگ مردم این استان شده است واز آن جاست که در ادبیات شفاهی هرمزگان قصه های عامیانه پیوند جدا ناپذیری با آداب و رسوم این منطقه دارد .

افسانه ها وآیین های بومی محلی هرمزگان

نظر نعمت الهی به عنوان یکی از نویسندگان مطرح کشور در مورد افسانه این گونه است که : « افسانه روایتی از ماجراهای غیرواقعی و باورناپذیر است ،که آدمیان ، جانوران و دیگر پدیده ها یا موجودهای تخیلی می آفرینند ، افسانه ، گاه نشان دهنده ی آرزوهای انسان و گاه پاسخگوی کنجکاوی های اوست ، بنابراین ، برای آن ، دو تعریف می توان ارائه کرد :

1 ـ روایتی است دربارۀ اشخاص یا مکان ها با ریشه هایی تاریخی که شاخ و برگ های تخیل وساختگی فراوان دارد.

2 ـ روایتی ناراست ازماجراهای گوناگون باورناپذیر است که موجود های تخیلی می آفرینند.» (نعمت الهی ،1389: 50)

با توجه به تعریف فوق می توان گفت که :هرمزگان دارای افسانه ها وآیین های بومی محلی است که این افسانه ها وآیین های بومی محلی در قصه های این استان به نوعی ریشه دوانده و توانسته است زیر بنای بسیاری از قصه های عامیانه هرمزگان قرار گیرد . در زیر به چند نوع از افسانه ها وآیین های بومی محلی استان اشاره می شود :

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-21]

الف ـ هورمودر یا حورمودر : در هرمزگان روایت است که :« سال های پیش در دامنۀکوه گنو پنج فرشته از آسمان به زمین افتادند و به شدت زخمی شدند، آن چنان که توان حرکت کردن نداشتند حوری(پری) زیبایی از آسمان به زمین آمدو وظیفۀمراقبت وپرستاری از آن ها را بر عهده گرفت .در همان مکانی که فرشتگان به زمین افتادند چشمۀ آبی وجود داشت که هر غروب حوری زیبا رو به آن جا می رفت و مقداری آب با خود می برد. روزی حوری به چشمه رفت که آب ببرد ،چوپانی بر حسب اتفاق او را دید و به اهالی روستا خبر داد و آن ها غروب روز بعد در آن جا جمع شدند تا حوری را ببینند ،اهالی با دیدن حوری زیبا رو شگفت زده شدند. او موهای بلند مشکی زیبایی داشت ،که هربیننده ای را به تحسین وا می داشت .روزها از این ماجرا گذشت و حوری هر روز برای برداشتن آب چند لحظه کنار چشمه می آمد و مردم به او خیره می شدندوبا حیرت به موهای زیبای او نگاه می کردند .روز ی حوری به چشمه آمد و به مردم گفت : « شما به زودی مرا دیگر نخواهید دید ،اما برای دیدنم همیشه به این مکان خواهید آمد.»

پیش بینی حوری به حقیقت پیوست؛ چون مردم هر ساله سیزده بدرها به حورمودر می روند و می گویند :« این چشمه نام خود را از همین حوری گرفته است ، یعنی حوری که موهای سیاه او دیده می شود.» (بی بی سکینه مرادی ،68ساله،محله ی پشت بند بندرعباس.)

ب ـ قبله دعا : « مردم هرمزگان به حضرت خضر (ع) اعتقاد زیادی دارند ، از این رو بسیاری از نیازها و حاجات خود را ازاومی طلبند، مثلا."زمانی که فصل صیدماهی می رسد، اگر مقدار ماهی که از دریا گرفته می شود کم باشد ، مراسم قبله دعا برگزار می کنند.

در این مراسم مردم مقداری خرما و ارده در ظرفی گذاشته و به قدمگاه حضرت خضر می روند، رو به روی قدمگاه به سمت ساحل حرکت می کنند ،که آخرین خط آب ، خط برخورد موج و ساحل است. در این خط

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-21]

به حالت دو زانو می نشینند، خرماها و ارده ها را در دست می گیرند با سر و صدا آن ها را با هم مخلوط می کنند و دعا می خوانند وحضرت خضر را صدا می زنند.

آنان عقیده دارند که حضرت خضر (ع) صدای به هم خوردن خرماها و ارده ها را می شنود و بوی خرما را دنبال می کند وبه سمت آن ها می آید ودرپایان دعا،خرما و ارده را به دریامی ریزندو رو به دریامی گویند:« یاحضرت خضرما از تو ماهی می خواهیم، اگر ماهی که به مامی دهی مال توست باید دست و پایش (باله هایش)حنایی باشد . مردم بر این باور هستند که صید آنان و برکت زندگیشان بدین وسیله زیاد می شود.» (ابراهیم رئیسی،70ساله ،روستای سرخون)

پ ــ غُراب شیطان : « اهالی هرمزگان به کشتی هایی که با نیروی بخار حرکت می کنند ، غُراب می گویند . و افسانه هایی در این مورد است که : غراب شیطان ، کشتی ای است که در مواقع طوفان و باد در دریا پدیدار می شود و ناگهان غیب می شود . غراب شیطان بادبان ندارد و بیشتر ، شب ها در دریا نمایان می شود؛دارای چراغ های رنگارنگ است و از داخل آن صداهای وهم انگیز و ترسناک به گوش می رسد . به گمان دریانوردان این غراب وقتی لنجی را می بیند به سوی آن می آید و آن لنج را غرق می کند . دریانوردان وقتی با غراب شیطان روبرو می شوند ، فریاد زنان شروع به دعا خواندن و اذان گفتن می کنند و این قدر این کار را تکرار می کنند تا غراب شیطان ناپدید شود و از این بلا و مصیبت نجات یابند . ممکن است سرنشینان لنج پس از چند ماه مسافرت دریایی به دلیل خستگی و مشقات زیادی که در طول مسافرت متحمل بوده انددچار ترس و نوعی بیماری مالیخولیایی شوند. یعنی درتصورآن ها این گونه نقش می بست که گمان می کردند غراب شیطان روبروی آن ها قرار گرفته است ، اما واقعیت این بودکه غراب شیطان زیر دریایی کشورهای خارجی بوده است که در

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-21]

دریاها و اقیانوس ها به بیرون از سطح آب می آمدند، دریانوردان چون تا به حال چنین شناوری را ندیده بودند به تصور این که غراب شیطان است ،بانگ « الله اکبر » را سر می دادند و چون زیر دریایی زیر آب می رفت ، فکرمی کردند غراب شیطان در حال غیب شدن است .» (دریایی ، 1359 : 74)

ت ـ بَپ دریا : « یکی از شخصیت های افسانه ای که از زمان های قدیم در دل ساحل نشینان و دریانوردان رعب و وحشت ایجاد کرده بود ، شخصیتی به نام « بپ دریا » بود . کلمه ی «بپ» در زبان هرمزگان به معنی «پدر» است ، وهرمزگانی ها اعتقاد دارند، که «بپ دریا» حاکم و فرمانروای دریا می باشد . از لحاظ فیزیکی و ظاهری این شخصیت هم شکل انسان و سیاه پوست بود ؛ با این تفاوت که دارای صورتی سیاه و زشت مانند میمون بود ، تمام قسمت های بدن او سخت و برنده است که در روی بدن بعضی از جانداران دریایی و همچنین اجسامی از قبیل سنگ که در دریا وجود دارد به چشم می خورد ،در قسمت های دست ، پا و کمرش یالی همانند یال ماهی وجود دارد . «بپ دریا» در اطراف ساحل و دریاها وجود دارد . بزرگ ترها می گویند : «بپ دریا» بیشتر در اطراف جزایر استان هرمزگان می باشد که در دریاها سرگردان است . «بپ دریا» زمانی که با شخصی روبرو می شود ؛ سعی می کند او را اذیت کند و از بین ببرد، به همین دلیل، مردم هرمزگان بچه های خود را از تنها رفتن به ساحل خصوصاً در شب منع می کنند و همچنین ناخدایان و ملوانان در طول مسافرت دریایی از خوابیدن در سطح لنج خودداری می کنند ، از بیم این که مبادا «بپ دریا» به آن ها حمله کند .

« غلامحسین ساعدی» در کتاب «اهل هوا» در مورد «بپ دریا» چنین می نویسد : موجود افسانه ای دریاهاست . هیکل آدم را دارد با بدنی که از صدف های درشت (کالنگ) پوشیده شده است. دست های بسیار

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-21]

بلندش انگشت شصت ندارد . پستان های متعددی سینه اش را پوشانیده است ، بیشتردر اطراف سواحل هند یا سواحل آفریقا ظاهر می شود . ملوانان ایرانی مجسمه او را در بمبئی و سایر شهرهای هند زیاد دیده اند که روی زانو نشسته است . «بابای دریا» در دریاهای بزرگ وعمیق زندگی می کند. درهوای طوفانی از آب بیرون می آید ، اگر کسی تنها کنار ساحل نشسته باشد ، او را می گیرد و به ته دریا می برد و به کشتی ها حمله می کند و سعی می کندکه یک یا دو نفر از ملوانان را بگیرد و باخودبه ته دریا ببرد .

«بابای دریا» تنها از صدای آهن وحشت دارد و بیشتر وقت ها حتی از شنیدن اسم یا آلت فلزی فرار می کند .هر وقت «بابای دریا» پیدا می شود، ملوانان فریاد برمی آورند: تیشه بیاور ، اره بیاور، تبر بیاور ودر آن هنگام دو تکه آهن را محکم به هم می کوبند . در لنج های ایرانی مرسوم است با دیدن سایه های «بابای دریا» ، کارد کهنه ای را تند، تند روی لنگر لنج می کشند . و اعراب فریاد می زنند : «حدید ، حدید »

در اساطیر یونان ،ایزدی به نام «اُکئانوس» (اقیانوس) وجود دارد ،که حاکم و فرمانروا بر دریاهاست و در اعتقادات مردم هرمزگان و دیگر ساحل نشینان خلیج فارس «بپ دریا» با این تفاوت که «اکئانوس» ، خدای دریاهاست و به عنوان شخصیت مثبت در اساطیر یونان می باشد ، ولی «بپ دریا» شخصیتی منفی و منفور است. بدن «بپ دریا» ترکیبی از عناصر مختلف طبیعت یعنی انسان ، حیوان دریایی و اجسام سخت است . می گویند :« قسمت های بیرونی بدن این شخصیت از ماده ای سخت و خشن می باشد ،که می تواند معرف خشونت درونی در وجود این شخصیت باشد . » اثبات این قضیه که آیا «بپ دریا» وجود دارد یا نه ، در بین اهالی هرمزگان و دیگر ساحل نشینان خلیج فارس بسیار مشکل است ،زیرا اعتقاد زیادی به این شخصیت دارند و تصورمی

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-21]

کنند ، که در زمان های قدیم اگر لنج ها بخصوص درشب هایی که ازروشنایی کافی بهرمند نبودند،به سفر های طولانی می رفتند ، ا ز سواحل افرادی مخفیانه به داخل لنج ها می آمدند ،که باعث بوجود آمدن تصورات و تخیلاتی برای بعضی از دریانوردان می شدند و از این افراد به عنوان «بپ دریا» یاد می کردند. مورد دیگر این است ،که ناخدایان و صاحبان لنج ها چون می خواستند ملوانان و افرادی که در لنج ها کار می کردند ، همیشه و در همه حال به حالت آماده باش باشند ،در مورد این موجود حرف هایی می زدند تا ملوانان ودریانوردان در شب به خواب عمیقی فرو نروند . چنین به نظر می رسد که «بپ دریا» شخصیتی خیالی است .» (همان : 75)

ث ــ اُم الداس : «یکی دیگر از شخصیت های افسانه ای مردم هرمزگان و دیگر ساحل نشینان جنوب ، زنی به نام « اُم الداس» است . او در کوه ها و بیابان ها و جاهای خلوت وجود دارد. اُم الداس به شکل زنی در می آید و بیشتر نیمه های شب نمایان می شود . این زن در انتظار مردان می نشیند دو قسمت ران های او همانند اره (داس مانند) است . «ام الداس» زنی خوش قد و قامت ، زیبا و دل فریب است ، بوی خوش و عطرآگین از جانب او می آید ، او با برق چشمان خیره کننده اش و خنده ای که بر لب دارد هر مردی را به سوی خود می کشاند،اگر مردی که به دنبال «ام الداس»می رود از این زن شناخت کافی داشته باشد ، می داندکه بایدمشتی خاک در چشمان «ام الداس» بپاشد و فوری از آن محل بگریزد . می گویند : اگر مردی اسیر او شود ، «ام الداس» با ران های اره مانند خود فشاری بر او وارد می کند و آن مرد را از بین می برد .

« غلامحسین ساعدی» در کتاب « اهل هوا » در مورد موجودات افسانه ای سواحل جنوب از چند شخصیت افسانه ای نام می برد از جمله : « امُ الداس » که جانوری خیالی است و از دریا بیرون می آید و

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-21]

انسان ها را از بین می برد ،و اشاره می کند آن شخصیت همان « مِن مِنداس » است .

بزرگ‌ترها می گویند : معمولاً روز چهارشنبه «ام الداس» به سراغ مردی که تنها خوابیده می آید و او را به سمت دریا می کشاند . در اساطیر یونان شخصیتی به نام « لیلیث » وجود دارد ، که شبیه «ام الداس »ما ایرانیان است و یونانی ها اعتقاد دارند یک زن نیمه انسان و نیمه حیوان است که می آید و مردهای خفته رادر عالم خواب فریب می دهدو از بین می برد .

به طور کلی موجودات افسانه ای که در ذهن مردمان هر قوم وجود دارد ، مطابق با درک واقعیت هایی است که انسان ها از محیط پیرامون خود دارند و بیانگر تلاش آدمی برای غلبه بر عناصر و نیروی طبیعی است . » (همان ، 77)

ج- دختردریا: «در بین بعضی از مردم هرمزگان اعتقاد به نوعی جن به نام «دختردریا» معمول است، می گویند: دختردریا، در دریا زندگی می کند و همیشه آن جا در حال تکان دادن گهواره است. چنان چه مردی در دریا مشغول شناکردن باشد و قسمتی ازبدن اوبه گهواره ی دختردریابرخوردکند،دختر دریا آن مردرا،دیوانه،بیماروياکرولال خواهد کرد.

بعضی ها می گویند: « دختر دریا از سر تا کمر شبیه دختر است، اما پاهایش به هم چسبیده و مانند دم ماهی است. در هر صورت شخصی که با دختر دریا تماس پیداکند؛ بیمار می شودو بایستی نزد ملای محلی برود تا با خواندن دعا او را مداوا کند.» (حسنی494:1382)

چ-افسانه های حیوانات :«دربرخی نقاط هرمزگان اهالی اعتقاددارند ،که بعضی ازحیوانات ازابتدای خلقت انسان بوده اندکه براثرانجام کاری ناشایست،خداوندآن هاراغضب کرده است به جانوران دیگری تبدیل شده اند. » (همان495)

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-21]

ح- تَشی شوگرد shogard«برخی از اهالی هرمزگان عقیده دارند، که در زمان پیامبر(ص) مرد نجاری با چوب و میخ در می ساخت، او انسان متقلبی بود. چوب های مرغوب را ازمردم می گرفت و در عوض با چوب های نامناسب خود برای آنان در می ساخت، آن گاه چوب های خوب را با قیمت گزافی به دیگران می فروخت. روزی پیامبر(ص) گذرش به کارگاه آن مرد افتاد و او را در حال کار دید. به او فرمود:« چه می کنی؟ »گفت: «با چوب و میخ، در می سازم. »پیامبر(ص) فرمودند: «من هم می خواهم که برایم دری بسازی. »گفت: «چشم، پس باید برایم تعدادی چوب مرغوب بیاوری. »رسول خدا مقداری چوب مناسب برای او آورد. چند روز بعد به نزد نجار آمدتا در ساخته شده را از او بگیرد، اما با درخوبی مواجه نشد. پس فرمود: «چوب های من مرغوب بودند، اما این در از جنس خوبی ساخته نشده است. »نجار گفت: «چوب های شما همین بود که من این در را ساختم. »پیامبر(ص)که از کار نجار آگاه بود، ازخدا خواست تا او را به سزای اعمال زشتش برساند .خداهم دعای او را اجابت کرد و او را تبدیل به جانور ترسناکی کرد ،که انگار تمام بدنش پر از میخ است . بدین ترتیب آن مرد نجار به « تشی شوگرد »مبدل شد.» (همان:469)

خ-دیب(دیو) : «یک نوع جن است که از آسمان آمده است ودریا را متلاطم وگل آلودمی کند واگر به کشتی یا لنج برخورد کند ، آن ها را غرق خواهد کرد . درصورتی که به انسان برخورد کند . شخص بیمار می شود ." (فلسفی میاب، (332:1379)

د-پریزاد :«معتقدند که پریزاد ها اهل حساب کردن ومسلمان هستند و همه کس نمی تواند آن ها را ببینند مگرانسان های صالح وپاک می توانند آن ها را ببینند . با بسم الله وسلام مخالفند و درصورت گفتن این کلمات از نظر ناپدید می شوند . اگرکسی یکی ازدختران آن هارا

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-21]

ببینند و بسم الله بگوید ، همه به جز آن دختر ناپدید می شوند و آن گاه ملای جن ها می آید و عقد نکاح او را با آن انسان می بندد . دختر پریزاد را نمی شودبه شهر یا روستا برد،بلکه باید او را دربیابان نگه داشت. لباس پریزادها بلند است ومی گویند :هرکدام حدود صدمن طلادارند» (همان:333)

قصه های هرمزگان

در زمان های قدیم ، یکی از بهترین و زیباترین انواع ادبیات شفاهی در میان مردم هرمزگان قصه های عامیانه بوده است . مردم هرمزگان در شب های تاریک تابستان و زمستان با مهر و محبت به دور هم جمع می شدند و از شور و شادی و رنج و محنت روزگار، قصه هایی را می گفتند ، قصه هایی که با شنیدن آن سختی ها و مشکلات جنوب را به آرامش تبدیل می کرد. بهترین راه ارتباط کلامی درهنگام فراغت ، همین قصه گویی وبیان خاطرات کار و سفر و لحظات تلخ و شیرین زندگی بود که با زبان ساده و صمیمی دربین افراد عامی بیان می شد . وجود قصه های تکراری در ادبیات شفاهی خود دلیلی بر کوشش خلاقانهٔ افراد مختلف برای تقویت آن است ، زیراقصه ها در هرمزگان بتدا به شکل ساده ای از برخورد یک قهرمان وضدقهرمان در موقعیتی خاص روایت می شود؛ سپس به مرور زمان با یاری قوهٔ خلاقانهٔ راوی و دیگران و آداب ورسوم وافسانه هاوآیین های گوناگون بومی محلی گسترش می یابد که نتیجه ی خوبی از خود به یادگار می گذارد. باتوجه به آثار ارزشمند فارسی که در ساخت ادبیات و فرهنگ جامعهٔ ما سهم عمده دارند شاید اگر گفته شود منبع ادبیات مکتوب ما همین قصه های عامیانه است کلامی گزاف نباشد .

براساس پژوهشی که در قصه های عامیانهٔ این استان انجام شده است دانسته شد ،که مضمون بیشتر قصه های رایج استان هرمزگان عبارتنداز:

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-21]

1 ـ قصه های قرآنی و حکایت های دینی که مردم از ملاهای مکتب خانه یا روحانیون محل شنیده اندو برای یکدیگر بیان می کردند،مانند : قصهٔ زندگانی پیامبران و امامان و ....

2 ـ قصه و حکایتی که مردان وزنان در جنبه های گوناگون زندگی بومی از جمله : هنگام سفر ، شب نشینی ، بیماری ، شادی ها و..... برای هم تعریف می کردند ، معلوم نیست که سازنده و روایت کنندهٔ آن ها چه کسی است و شخصیت واقعی یا مجازی قصه چه کس یا کسانی هستند ،که در بین مردم این گونه رایج شده است، مانند : قصهٔ محمدک و مادرش ، حسن کچل ، پیرمرد و دخترانش و ...

3 ـ قصه های جن و پری ، دیو و عناصر خیالی و قصه های عاشقانه که در هرمزگان بنا به اعتقاداتشان بسیار دیده می شود، مانند: قصه های شاه پریان ، پادشاه ودختر دیوش ، قصه ی گاوزرد و ....

4 ـ قصه های حیوانات که شاید از کتب داستانی ادبیات کهن فارسی نظیر کلیله ودمنه ، مرزبان نامه و....سینه به سینه نقل شده تا به دست این مردم رسیده است و شاید هم ساخته و پرداختهٔ ذهن و اندیشه و بیان خودشان است ، مانند: قصهٔ مکر روباه ، پیرمردو چوپان و مار ، رمه ی کبوتر و ....

نتیجه گیری

از بررسی در ادبیات شفاهی استان هرمزگان دریافت می شود،که در میان مردم هرمزگان یکی از شیرین ترین ، زیباترین و ماندگارترین انواع ادبیات شفاهی، قصه های عامیانه است و باید جایگاه ویژه ای برای آن در بین ادبیات شفاهی استان در نظرگرفت ،چرا که:

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-21]

1-قصه های عامیانه بخش وسیعی از فرهنگ وادبیات شفاهی هر منطقه است که از دوران کهن تا به امروز هم چنان جذاب واثرگذار باقی مانده است وگواه هویت بومی ومحلی آن منطقه است.

2-مکتوب کردن قصه های عامیانه موجب می شود برای استفاده عموم انتشار یابد وسطح بینش و آگاهی مردم را دربارۀ جامعه افزایش دهدواگربه موقع برای ثبت وضبط ومکتوب ساختن آن تلاش نشود به تدریج از خاطره ها وحافظه ها فراموش خواهد شد.

3-قصه ها در ادبیات شفاهی قادر هستند رفتار ، منش ، اندیشه ،احساسات ، مذهب و اخلاق آن جامعه را به خوبی نمایان سازند و سبب می شوند تا مردم عادی به راحتی در هر زمان و مکان برای ابراز عقاید خود و انتقاد از زندگی و اجتماع از آن ها استفاده کنند.

4-جایگاه قصه های عامیانه در ادبیات شفاهی هرمزگان رابابد در فرهنگ ومیراث های ماندگاراستان مانند:آداب رسوم ،افسانه ها وآیین های بومی ومحلی هرمزگان بررسی کرد.

5-یکی ازمهم ترین کارکردهای قصه های عامیانه درادبیات شفاهی ،انتقال فرهنگ ازنسلی به نسل دیگر است،جون قصه ها علاوه براین که بهترین سرگرمی دراوقات فراغت هستند، قادر می باشند در پرورش و رشد افراد جامعه وانتقال پیام ها وتجربه های گذشتگان به نسل آینده موثرواقع شوند.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-21]

منـــابـــع

ـ امیرزاده ، همایون (1388) هرمزگان ، انتشارات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هرمزگان ، مبینا ، بندرعباس .

ـ بختیاری ، محمد(1369) راهنمای مفصل ایران جلد 22 استان هرمزگان ،چاپ اول ،کاروان،تهران.

-حسنی ، حمیدرضا (1382) مردم نگاری شهرستان های بندرلنگه و بستک ، پژوهش های مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی استان هرمزگان،بندرعباس .

ـ داد ، سیما (1382) فرهنگ اصطلاحات ادبی ، مروارید ، تهران .

ـ دریایی ، احمد نور (1384) مراسم آیینی و فولکور مردم بندرکنگ ، احسان ، تهران .

- فلسفی میاب ، علی ،ابوالفتحی ، مریم ، بناوند ، سهراب(1379) مردم نگاری شهرستان قشم ، پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی استان هرمزگان،بندرعباس .

ـ محمدی ،محمد هادی ، قایینی ، زهره (1384) تاریخ ادبیات کودکان ایران ، ادبیات شفاهی و دوران باستان ، چیستا ، تهران.

ـ نعمت الهی ، فرامرز(1385) ادبیات کودک و نوجوان ، شناسایی ، ارزشیابی ، ارزش گذاری ، مدرسه ، تهران.

ـ وثوقی ، محمد باقر (1384) تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار ، سمت ، تهران .

ـ وکیلیان ، سید احمد (1382) قصه های مردم ، گردآورده ی پژوهشگران پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی ، انتخاب ، تحلیل وویرایش سیداحمد وکیلیان ، مرکز ، تهران.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-21]

منابع میدانی

- ابراهیم رئیسی، 70ساله، روستای سرخون بندرعباس.
- بی بی سکینه مرادی ، 68ساله ،محله ی پشت بند بندرعباس.

Abstract

Folk tales reflect the oral common culture of that region because they cover a large part of oral culture and literature of each region. From the past to the present, these stories have passed on from generation to generation and still remain attractive and effective. They have proved that if no attempt is done to put them in written formats, they will gradually be removed from memories. Folk tales have a very special status among the populace. This is because the fact that folk tales as oral literature, lead to the realization of the aspirations of the nation and legitimate the life and solidarity of that nation. The strong footprint of the lasting culture and heritages of Hormozgan in the oral literature, especially in the folk tales of Hormozgan, is strongly felt. The presence of these factors led to a research on the status of folk tales in the oral literature of Hormozgan, which will be discussed in this article in details.

Key words: customs, oral literature, myths, stories

[Downloaded from rdch.ir on 2026-11-21]